

استقلال



خیلواکی

مرحوم داود موسی

۲۳ اپریل، ۲۰۲۵

خر سواری

۲۶ آگست، ۲۰۱۴



یکی از حقائق غیر قابل انکار و حکم فرما در کشور ما اینست که جنجال بین طالبان و دولت تا حد زیادی روی انکار از قبول قانون اساسی از سوی طالبان می باشد. اما به فحواء آیه «ان مع العسر یسرا» در این معضله یک جهت مثبت هم سراغ شده می تواند و آن اینکه دو نفر کاندیدان مقام ریاست جمهوری هم برین شده اند که آنها نیز به قانون اساسی پشت پا زده و با این حرکت خود – ولو به طور نا خود آگاهانه هم باشد، یک گامی پر از محبت و صمیمیت سوی موقف طالبان برداشته باشند.

حالا اگر بگذریم ازین که پراگراف فوق را من نه به گونه یک موضوع جدی، بلکه صرف به منظور جلب توجه شما خواننده گرامی نوشتم، مشکل ایجاد قانونی مقام "رئیس اداری" یا "اجرائیه" در حکومت جدید افغانستان را (آن هم اگر بالاخره واقعیت بپذیرد) دماغ ناتوان من تا هنوز درک کرده نتوانسته است.

ما در قانون اساسی خود در مورد وظائف عمال دولت و خاصتاً حکومت، مواد بسیار صریح و انعطاف نا پذیر داریم. از جمله، ماده (71) آن مشعر بر این است که:

■ "حکومت متشکل است از وزراء که تحت ریاست رئیس دولت اجرای وظیفه می نمایند"

در این جا باید فراموش نکنیم که لفظ "حکومت" یک کلمه مترادفی هم دارد که آن عبارت از "قوة اجرائیه" می باشد. پس لفظ "رئیس اجرائیه" می تواند به معنی "رئیس حکومت" نیز تعبیر گردد. این هم بر همگی هویداست که ما در ساختار دولتی خود دو قوة دیگری (مقننه و قضائیه) را هم داریم که در مورد آن پسانتر چیزی گفتنی دارم.

ماده (64) قانون اساسی برای رئیس جمهور، در اقل، بیست و یک وظیفه تعیین نموده است که ازین جمله همگی وظائف اجرائی بوده به استثناء یکی دو تای آنها که می تواند تشریفاتی شمرده شود. این دو عبارت اند از مواد:

• (17) و (19)

که اصدار یا قبول اعتماد نامه های سفراء و یا اعطای مدال ها، نشان ها و القاب افتخاری می باشد. به همین منوال ماده

• (75)

همین قانون نیز برای وزراء (یا اعضای بلند رتبه حکومت) نیز وظائف مشخصی را تعیین نموده است. می ماند موضوع دو نفر معاونین رئیس جمهور که مثل خود رئیس جمهور از جانب اکثریت مردم طی یک پروسه دیموکراتیک (!؟) به آن مقام تعیین گردیده اند.

حالا از سؤالاتی که در همان ذهن نا توان من به وجود می آید یکی اینست که آیا این مقام جدید "رئیس اجرائیه" - که در تعریف قانونی آن به غیر از شخص رئیس جمهور کس دیگری بوده نمی تواند، از جمله همان لیست بیست و یک ماده ای صلاحیت های متذکر برای رئیس جمهور، نزده تای آن را در اختیار خود می گیرد یا نه؟ اگر چنین باشد، سیستم دولتی ما مثل دولت های هند و پاکستان دارای یک رئیس جمهور معادل کلک ششم می گردد.

سؤال دیگر این که درین حیص و بیص وظیفه معاونین رئیس جمهور چه می باشد؟

■ آیا این دو نفر ما فوق "رئیس اجرائیه" می باشند یا ما دون وی؟

■ آیا می شود که دو نفر معاون رئیس جمهور در اجلاسی نشسته باشند که ریاست آن بدست شخصی باشد که برای ایجاد آن از نظر قانونی به گفته برادران و خواهران هزاره ما "پک ره نیه"؟

یقین کامل دارم که امروز هر دو کاندید ریاست جمهوری کشور ما در مخیله خود برای صلاحیت های این مقام جدید لیست های کاملاً متفاوتی تراشیده اند که امید است در یکی ازین روز، هفته یا ماه ها افشاء گردد.

فصل گریز این نوشته در این است که در یک دیموکراسی واقعی تقسیم قدرت و صلاحیت بین قوای سه گانه دولت به نحوی صورت گرفته است که اگر یک یا دو تای آن پای خود را از گلیم قانون فراتر بگذارد، قوه سوم تا حدی از تخطی شان جلوگیری نماید.

چشم امید ما درین مقطع بسیار حساس به سوی ستره محکمه می باشد زیرا ماده (121) قانون اساسی صلاحیت تفسیر قانون را به ستره محکمه داده است.

امید است که این موضوع دیر یا زود جهت انفصال قانونی راه خود را به مجمع شورای عالی ستره محکمه بباید و آنها درایت و گرفتگی که از قانون اساسی دارند، به چنین بازی ها خاتمه دهند. اگر این ممانعت بعد از آن که رئیس اجرائیه جدید ما اشغال وظیفه کرده باشد صورت بگیرد، مثل مشهور را بیاد می آورد که "سر خر سوار شدن یک عیب، و تا شدنش یک عیب دگه".

شنیدم که در مجلسی به ارتباط مشکلات انتخاباتی در افغانستان بحث روان بود و نظر مجلسیان به صورت عموم بسیار مأیوسانه بود. بعد از یک سکوت طولانی، یکی از آق ثقلان (ریش سفیدان) مجلس به صدا درآمده و گفت "خدا آخرت ما را خوب کند". دیگری در جواب گفت که "کاکا جان خودت غلط کردی. همین زمانی که این جا هستیم آخرت است و ما و شما اکنون در جهنم بسر می بریم".

در پایان باید بگویم که لفظ "چالش" که امروز دست به دست لفظ "خوانش" داده و در رسانه های کشور ما مورد استعمال فراوان پیدا کرده است، در اصل به معنی اختلاف نظر نبوده بلکه دارای سه معنی مختلف دیگر می باشد:

❖ یکی آن عبارت از «زد و خورد فزیکی» می باشد که همه روزه در بین اعضای گروه شمارش رأی ها به وفراط دیده می شود.

❖ دوم به معنی «رفتار با نخوت و کبر آمیزی می باشد که خاصه بزرگان و پهلوانانست».

❖ معنی سوم آن آن قدر بی شرمانه و هزل آمیز است که جرأت ذکر آن را ندارم. همین قدر گفته می توانم که با «مسائل جنسی» سر و کار دارد. می ترسم که چالش روان در کشور ما از همین نوع سوم آن باشد که در حق ملت روا می دارند. الله یاور